

روح یک پروانه

قلم در مسیر زندگی

نویسندگان:

محمد علی

هانا یاسمین علی

مترجم: مرجان مرادی آثار



انتشارات آرامیس

سرشناسه: کلی، محمد علی، ۱۹۴۲ - ۲۰۱۶م، Ali, Muhammad

عنوان و نام پدیدآور: روح یک پروانه: تاملی در مسیر زندگی نویسنده محمدعلی و هانا یاسمین علی / مترجم مرجان مرادی آثار / ویراستار پروین نامدار

مشخصات نشر: تهران: انتشارات آرامیس، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۹۹ ص: مصور.

شابک: ۹۶۴۶۳-۰۰۴-۹۷۸-۸۰۰۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: The soul of a butterfly reflections on life's journey, ۲۰۰۵.

موضوع کلی: محمد علی، ۱۹۴۲ - ۲۰۱۶م

موضوع: Ali, Muhammad

موضوع: بوکسورها -- ایالات متحده -- سرگذشتنامه -- United States -- Biography -- Boxers (Sports) -- United States -- Biographies مسلمانان ساهاپوست ایالات

متحده -- سرگذشتنامه

African American Muslims -- Biography

سرگذشتنامه معنوی -- ایالات متحده -- Spiritual biography -- United States

شناسه افزوده: علی، هانا

شناسه افزوده: Ali, Hana

شناسه افزوده: مرادی آثار، مرجان، ۱۳۶۴ - مترجم

رده بندی کنگره: GV۱۱۳۲

رده بندی دیویی: ۷۹۶/۸۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۶۹۹۹۱۹

اطلاعات رکورد کتابشناسی فیبا

روح یک پروانه

تاملی در مسیر زندگی

نویسنده: محمدعلی و هانا یاسمین علی

مترجم: مرجان مرادی آثار

ویراستار: پروین نامدار

ناشر: آرامیس

مدیر فنی: علی گودرزی

طراحی جلد: پارسا باقری

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۴۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۴۶۳-۰۰۴

مراکز فروش:

انتشارات آرامیس:

شماره تماس: ۰۹۱۲ ۵۷۵۵۱۴۸ - ۰۹۱۲ ۸۳۳۳۰۱۹ - ۰۹۱۲ ۸۸۱۴۸۴۴۵ - ۰۲۱ www.Aramispub.ir

انتشارات پردازش:

تهران، میدان انقلاب، خیابان شهدای زاندارمری، بین فروردین و اردیبهشت، پلاک ۱۳۲

شماره تماس: ۰۲۱ ۶۶۹۷۵۵۶۱-۷

قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱۱	نامه‌ای به دنیا.....
۱۵	مقدمه.....
۲۳	رقابت برای عشق.....
۲۵	عشق.....
۲۷	زیربنای زندگی.....
۳۳	پاکی جوانی.....
۳۷	سیاه‌زیاست.....
۳۹	هدف از زندگی.....
۴۱	آگاهی.....
۴۳	تولد یک رویا.....
۴۷	پادشاه خیابان.....
۵۱	رو به رو شدن با ترس.....
۵۳	مسیر موفقیت.....
۵۷	یک پیروزی طلایی.....
۶۱	اقدام برای آزادی.....
۶۷	در مسیر آزادی.....
۷۱	اگر من رئیس جمهور بودم.....
۷۵	تحول معنوی من.....
۷۹	روزی که با اسلام آشنا شدم.....
۸۳	مفهوم یک پیام.....
۸۵	مبارزه من هدفمند بود.....

۹۱	 مالکم ایکس
۹۷	 اطلاعیه
۱۰۱	 شجاعت
۱۰۵	 پسری درون یک مرد
۱۰۹	 حضور خداوند
۱۱۳	 قلب یک انسان
۱۱۹	 هنوز هم بهترینم
۱۲۵	 فلسفه من از بوکس
۱۲۹	 دوست تازه
۱۳۳	 بازگشت پادشاه
۱۳۷	 قهرمان هایی که در آینده می آیند
۱۳۹	 خدا حافظی هرگز غم انگیز نیست
۱۴۱	 رقص سایه
۱۴۳	 خاطرات شاد
۱۴۵	 بزرگترین در جهان
۱۴۷	 سال های جاری
۱۵۱	 نیروی اراده
۱۵۵	 آگاهی بیشتر
۱۵۹	 چه چیزی واقعی است
۱۶۵	 شهرت
۱۷۱	 دستور العمل یک زندگی خوب
۱۷۵	 در لحظات سخت
۱۸۳	 المپیک ویژه
۱۸۹	 راز موفقیت من
۱۹۳	 راه رسیدن به بهشت
۱۹۷	 روح یک پروانه

مقدمه

مردم همیشه از من سؤال می‌کنند که بعد از بازنشستگی از ورزش بوکس چه کاری انجام خواهیم داد؟ پاسخ من همیشه همانی بوده که الان می‌گویم: «در طول مدت زمانی که من در بوکس فعالیت می‌کردم شما محمدعلی واقعی را ندیدید. شما فقط یک بوکسور و یک استعداد هنر صیقلی کوچک را دیدید. بعد از بازنشستگی از بوکس بود که کار واقعی من شروع شد. بعد از آن، من زمان بیشتری داشتم تا روحم را به شیوه‌ای که روزگاری ماهیچه‌ها و جالاکی خود را پرورش دادم، پرورش دهم. وقتی به دنیا نگاه می‌کنم افراد بسیاری را می‌بینم که همان‌های بزرگ و زیبایی می‌سازند اما در خانه‌های خرابه زندگی می‌کنند. ما زمان زیادی را صرف آموختن نحوهٔ امرار معاش می‌کنیم تا آموختن شیوهٔ زندگی. آنچه من امیدوارم با شما به اشتراک بگذارم باورهایی است که با آنها زندگی کرده‌ام. بسیاری از فلسفه‌ها، داستان‌ها و ایدئال‌هایی که روح مرا لمس کردند و الهام‌بخش قلبم بودند را من از مطالعهٔ اسلام آموختم. من این دانش را با خانواده و دوستانم به اشتراک گذاشتم و حالا آن را به دنیا ارائه می‌کنم.

در طول سال‌ها دین من تغییر کرد و از لحاظ معنوی تکامل پیدا کردم. دین و معنویت با هم خیلی فرق دارند اما مردم اغلب آن دو را با هم اشتباه می‌گیرند. بعضی چیزها را نمی‌توان آموخت اما می‌توانند در قلب ما بیدار شوند. معنویت، تشخیص آن نور الهی‌ای است که در وجود همهٔ ماست، نوری که متعلق به هیچ

دین خاصی نیست بلکه متعلق به تک تک افراد است.

مردم از من می‌پرسند که آیا هنوز روی ایمانم کار می‌کنم. حقیقت این است که من می‌توانم همه روز را درباره ایمانم حرف بزنم زیرا بیشتر از هر چیز دیگری در زندگی‌م به خداوند ایمان دارم. اگر همه اقیانوس‌های روی زمین جوهر و همه درختان قلم شوند، هنوز هم برای نوشتن دانش و معرفت خداوند کافی نیست. آگاهی از اینکه خداوند چنین قدرتی دارد باعث می‌شود متواضع باشم. هر چه بیشتر درباره خداوند و اسلام مطالعه می‌کردم، بیشتر می‌فهمیدم که چقدر اطلاعاتم در این باره کم است. بنابراین هنوز مطالعه می‌کنم و هنوز در حال آموختن هستم زیرا چیزی به بزرگی و عظمت کار کردن برای خدا وجود ندارد.

انسان‌های واقعاً بزرگ در تاریخ هرگز نمی‌خواهند تنها برای خودشان بزرگ باشند. همه چیزی که آنها می‌خواهند این است که فرصت کمک کردن به دیگران و نزدیک شدن به خدا را داشته باشند. من انسان کاملی نیستم و می‌دانم که هنوز کارهای بسیاری هست که باید انجام دهم و در حال کار کردن روی آنها هستم. کارهای خاصی هم هست که انجام دادم و بابت آنها اصلاً مغرور نیستم، بخصوص وقتی باعث ناراحتی دیگران شدم و از خداوند می‌خواهم که مرا ببخشد.

مهم نیست کجا می‌روم، همه چهره مرا می‌شناسند و اسمم را می‌دانند. مردم مرا دوست دارند و مرا تحسین می‌کنند. آنها طوری به من نگاه می‌کنند که گویی الگوی آنها هستم و همین قدرت و نفوذ بسیاری برای یک مرد محسوب می‌شود. بنابراین می‌دانم که مسئولیت من استفاده از شهرتم در راه درست است. این یکی از دلایلی است که من همیشه سعی می‌کنم تا با همه بدون توجه به رنگ پوست، مذهب یا موقعیت‌شان در زندگی خوب باشم. اگرچه بعضی افراد ممکن است خودشان را بهتر یا مهم‌تر از دیگران بدانند اما در چشم خداوند همه با هم برابریم و آنچه در قلب‌مان است، اهمیت دارد.

مردم می‌گویند که من پول زیادی را در طول دوران ورزشیم از دست دادم. آنها درباره اینکه بعضی افراد از من سوءاستفاده کردند، دزدی کردند و من چطور به آنها اجازه دادم تا قسر در بروند می‌نویسند. حتی زمانی هم که می‌دانستم کسی در حال فریب دادن من است، چیزی که برای من مهم بود نحوه رفتارم بود زیرا باید به خدا

جواب پس می‌دادم. من نمی‌توانم مسئول کارهای دیگران باشم؛ آنها باید خودشان نزد خداوند پاسخ‌گوی اعمال‌شان باشند. در سرتاسر زندگی‌م هرگز به دنبال مجازات کسانی که به من ضربه زدند نبودم زیرا من به گذشت اعتقاد دارم. من بخشش را تمرین می‌کنم درست مثل اینکه خودم خواهان عفو و بخشش هستم. فقط خداوند از قلب ما انسان‌ها آگاه است. او بر همه چیز بینا و شنواست.

بسیاری از افرادی که در اطراف من هستند، خواستار کمک من می‌باشند و من سعی می‌کنم تا جایی که می‌توانم به افراد بیشتری کمک کنم و هیچ شکالی هم در این کار وجود ندارد. من حتی وقتی که می‌توانم پولم را برای خودم خرج کنم، باز به افراد نیازمند کمک می‌کنم زیرا خداوند مرا به اندازه کافی ثروتمند کرده است. اکنون که به گذشته نگاه می‌کنم به نظر می‌رسد هر چه بیشتر در راه خدا بخشیده‌ام، خداوند بیشتر از آن را به من بازگردانده است. من سعی می‌کنم دربارهٔ خیریه‌ها و افرادی که به آنها کمک کرده‌ام حرفی نزنم زیرا معتقدم ما فقط زمانی می‌توانیم واقعاً بخشیده باشیم که در عوض کاری که کردیم انتظاری از کسی نداشته باشیم.

وقتی شب به رخت‌خواب می‌روم از خودم می‌پرسم: «اگر فردا از خواب بیدار شوم آیا از زندگی خود در روز گذشته احساس غرور خواهم کرد؟» با داشتن این سؤال در ذهن خود سعی می‌کنم تا جایی که می‌توانم کارهای خوب انجام دهم، چه آن کار قوی‌تر کردن ایمانم باشد، چه امضا دادن به یک هوادار یا دست دادن ساده با یک شخص باشد. من فقط سعی می‌کنم مردم را خوشحال کنم و وارد بهشت شوم.

...

درک من از مذهب طی سال‌ها بیشتر شد. مادرم یک یابتیست (تعمید دهنده) و پدرم یک متدیست^۱ بود. هر دوی آنها معتقد بودند که مسیح پسر خداوند است. من اعتقادی به آن ندارم اما معتقدم که او نیز مانند موسی یکی از پیامبران مهم خداوند است.

^۱ کمپانی متدیست در سال ۱۷۲۸ تأسیس و منشعب از کلیسای پروتستان انگلیس است و در سال ۱۷۸۴ در شهر بالتیمور ایالات متحده به طور رسمی فعالیت خود را آغاز کرد. متدیست‌ها به شدت به این نکته که زندگی اجتماعی آینهٔ تجلی دین است و هیچ دستوری قابل بحث نیست مگر اینکه در زندگی روزمره تأثیر خود را نشان دهد ایمان دارند.